

From Ḥamdallāh Mustaufī Qazvīnī, **Tārīx i Guzīda**¹

گورش (دخمه نوشیروان) به جبل الحمیر است. به فرمود تا بر گورش نوشتند: هر چه از پیش فرستادیم مما را ذخیره است پیش کسی که جزای نیکی نه کاهد و در بدی نیفزاید.^۲
لایکون العمران حیث یجور السلطان.^۳

از سخنان او است: عدل باروئی است که به آب غرقه نه بود، و به آتش سوخته نه گردد، و به منجیق خراب نه شود. عدل گنجی است، چندان که از او بیشتر خرج کنی بیشتر بود و سعادت افزاید، و چندان که کمتر خرج کنی کمتر گردد و دولت به رباید.

هر که را از مردم شرم بود و از نفس خود نی نفس او را پیش او قدری نیست.

مروت آن است که در پنهانی کاری کنند که در آشکارا شدنش از آن شرم (/ خجالت) نه باید بردن.

هر که استعداد نفس خود باطل کند، بزرگی نسب او را فایده نه دهد.

هر که چمد چرد، و هر که خسبد خواب ببند.

در جنگ (با) دشمن از کمی لشکر خود نه باید اندیشیدن که هیمهء بسیار را آتش اندک سوختن تواند.

هر که اتباع خود را نیکو رفتار کند امارت را شاید، و هر که املاک خود را آبادان دارد وزارت را پسندیده آید.

^۱. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ع. نوائی، تهران، ۱۳۳۹، ۱۱۷-۱۱۸.

^۲. ماقدمنا من خیر فعند من لا یبخس الثواب، وما کسبنا من شرّ فعند من لا یعجز عن العقاب.

^۳. نک. تاجنامهء خسرو.